

جایگاه ابزارهای ادبی - بلاغی در فهم واژگانی قرآن در روایات تفسیری اهل بیت (ع)

مریم توکل نیا*

دانشجوی دکتری علوم و معارف نهج البلاغه، دانشکده میبد، یزد، ایران

حسین خاکپور

دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۰۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۱)

چکیده

روایات تفسیری در زمینه فهم واژگانی بیانگر آن است که اهل بیت به تفسیر ادبی قرآن پرداخته‌اند و در صدد فهماندن لغات غریب قرآن به مردم هستند زیرا گاه‌آگاهاً اکثر لغات یک آیه قابل فهم است و تنها یک واژه مبهم و دور از ذهن می‌باشد و نیاز به تفسیر دارد؛ لذا آن بزرگواران به تبیین همان یک واژه می‌پرداختند.

هدف از این مقاله بیان جایگاه اهل بیت (علیه السلام) در بکارگیری ابزارهای ادبی-بلاغی خصوصاً در فهم لغات قرآنی بوده است؛ نوشته حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی روش‌های ائمه (علیه السلام) در بکارگیری این ابزارها در معناشناسی واژگانی آیات پرداخته و در انتها به این نتیجه دست یافته است که اهل بیت (علیه السلام) برای تبیین لغات، ابتدا از قواعد عربی و سپس کاربرد واژگان در عرف و فرهنگ استفاده کرده و گاهی بر اساس کاربرد آن واژه در شعر به معناشناسی لغات پرداخته و در مواردی نیز از کاربرد واژگان مترادف در تفسیر لغوی آیات قرآن استفاده نموده‌اند.

واژگان کلیدی: ادبی-بلاغی، روایات تفسیری، اهل بیت (ع)، لغت، روش‌های تفسیری.

* E-mail: maryamtavakol7@gmail.com (نویسنده مسئول)

مقدمه

خداوند شریعت خود را در قالب قرآن کریم بر پیامبرش عرضه داشت که تا پیش از آن، طبق آیه (وَ وَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى) (ضحی/۷) بی شریعت بودند؛ اما قرآن کریم که برنامه زندگی همه انسان‌ها در همه اعصار است. در برخی آیاتش به صورت مجمل و کلی مباحث را بیان کرده، از این‌رو، نیاز به تفسیر و تبیین دارد و خداوند خود تفسیر و تبیین آن را وظیفه پیامبر (ص) قرار داده، می‌فرماید (وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ) (نحل/۴۴) و با ارتحال پیامبر (ص) استمرار نقش آن حضرت در جهت فهماندن قرآن به مردم به اهل بیت (ع) گرامیش واگذار شد.

به این دلیل که به اعتقاد حضرت رسول (ص)، قرآن و اهل بیت (ع) قرین و همتای یگدیگرند، از این‌رو یکی به وسیله دیگری شناخته می‌شود؛ به بیان دیگر یکی مفسر دیگری است. در معناشناسی الفاظ قرآن نخستین گام‌ها را خود حضرت رسول (ص) و بعد از ایشان، اهل بیت گرامیشان برداشتند. به این ترتیب و با توجه به این که برترین دانایان به تبیین واژگان قرآن اهل بیت (ع) هستند و قبل از ابلاغ ولایت اهل بیت توسط پیامبر (ص)، خداوند متعال لوازم این جایگاه ارجمند را به آنان عطا کرد تا همان گونه که وحی الهی به وسیله ایشان از هر گونه نارسایی و انحراف پیراسته شد، آموزه‌های ائمه (ع) نیز از ناپاکی و انحراف مصون بماند و خداوند معصومیت و تطهیر آنها را در سوره‌ی احزاب و واقعه به مردم ابلاغ می‌کند.

از جمله می‌فرماید (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا) (احزاب/۳۳) این آیه می‌فهماند که خدا خواسته که رجس و پلیدی را تنها از اهل بیت دور کند، و به آنان عصمت دهد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۴۶۲) بنابراین واژه‌ی تفسیر به معنای بیان معانی آیات قرآنی و کشف مقاصد و مدالیل آن، از همان عصر نزول قرآن کاربرد داشته‌است. به این دلیل که امام علی (ع) را می‌توان پس از پیامبر اکرم (ص) نخستین مفسر قرآن دانست که بسیاری از صحابه روایات تفسیری خود را از او نقل

کرده‌اند. همچنین گروهی از صحابه همچون ابن عباس و ابی بن کعب، قرآن را تفسیر کرده و به عنوان مفسر قرآن شناخته شده بودند.

نکته قابل ذکر دیگر این که اهل بیت (ع) در تفسیر قرآن شیوه‌های گوناگونی را به کار می‌گرفتند، که یکی از آن روش‌ها تبیین واژگان قرآن با رویکرد بلاغی-ادبی بوده‌است؛ پس آنچه در این پژوهش مدنظر است، بررسی جایگاه ابزارهای ادبی-بلاغی در تبیین واژگان قرآنی در روایات تفسیری نزد آن بزرگواران است، حال این سوال مطرح می‌شود که اهل بیت تا چه اندازه به معناشناسی واژگانی قرآن با کاربرد ابزارهای ادبی-بلاغی توجه داشته و آیا این گونه تفسیر مورد تأیید ایشان بوده است؟ می‌توان حدس زد که اگرچه ائمه به شیوه‌های گوناگونی به تفسیر آیات قرآن می‌پرداختند، ولی روایات تفسیری وجود دارد که روشن می‌کند شیوه تفسیر ادبی و فقه اللغه را نیز در تفسیر بکار برده و مورد تأیید ایشان بوده‌است.

لذا از آن جایی که طبق فرمایش پیامبر اکرم (ص) قرآن و عترت دو ثقل جدای ناپذیرند و کمک گرفتن از آنها، بهترین راه رسیدن به فهم قرآن در تمام وجوه آن است، بر این اساس لازم است روش‌های تفسیری آن حضرات مورد مذاقه قرار گیرد بر مبنای این رسالت پژوهش حاضر روش تفسیر ادبی معصومین و توجه ایشان به فقه اللغه آیات قرآن را مورد بررسی قرار داده‌است؛ تا جایگاه این نوع تفسیر را در نگاه اهل بیت (ع) واکاوی کند و می‌توان گفت بهترین راه رسیدن به فهم دقیق قرآن به طور کلی و فهم لغات و غرائب آن به صورت خاص مراجعه به ایشان است.

پیشینه پژوهش

تاجایی که نگارنده بررسی کرده در این زمینه کار مستقلی صورت نگرفته است اما در آثار متعددی به طور کلی به این موضوع اشاره شده؛ از جمله:

- کتاب مکاتب تفسیری (بابایی، ۱۳۹۰ش)، (در این کتاب، توضیح کوتاهی در مورد تفسیر ادبی و توجه اهل بیت به تفسیر دارد سپس به تفاسیر به جا مانده ازائمه و اسلوب‌های لازم برای فهم قرآن اشاره می‌کند).
- کتاب روش‌های تفسیر قرآن (مؤدب؛ ۱۳۹۰ش)، (در این اثر به روش‌های تفسیر که جهت فهم قرآن به کار می‌رود و از جمله آن‌ها پرداختن به روش تفسیری ادبی است).
- کتاب پژوهشی در روایات تفسیری امام باقر و امام صادق (ع)، (افتخاری، ۱۳۸۷ش)، (نویسنده در این کتاب به شرح لغات در روایات اهل بیت اشاره کرده و نظر ابن عباس را در این ارتباط مورد بررسی قرار می‌دهد).
- کتاب روش‌های تاویل قرآن، (شاکر، ۱۴۱۸ه-ق)، (در این کتاب روش‌های تأویل صحیح مورد توجه قرار گرفته که از جمله آن‌ها توجه به تبیین صحیح لغات قرآن است).
- کتاب روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، (علوی مهر، ۱۳۸۱ش)، (در این اثر به تعریف تفسیر لغوی پرداخته و به برخی از روش‌های تفسیر لغوی چون لغت، صرف و نحو اشاره کرده و مبتکر این نوع تفسیر را حضرت علی (ع) می‌داند).
- مقاله «تبیین واژگان توسط عترت در روایات اهل سنت»، (خاکپور، ۱۳۹۰ش)، (در این مقاله به نقش اهل بیت (ع) در تبیین واژگان قرآن اشاره و به انواع روش‌های ادبی در تفسیر قرآن پرداخته شده است).
- مقاله «روش‌هایی تفسیری مورد تایید اهل بیت»، (کریمی‌نیا، ۱۳۸۲ش)، (در این مقاله به روش‌های مورد اهتمام عترت جهت تفسیر قرآن توجه شده و در قسمتی از آن به تبیین واژگان و روش تفسیر ادبی قرآن توسط ایشان اشاره شده است).
- لذا مقاله‌ی حاضر بر آن است که به بررسی جایگاه فقه اللغه در روایات تفسیری اهل بیت بپردازد.

۱. استفاده اهل بیت(ع) از منابع لغوی در تفسیر

یکی از روش‌هایی که ائمه (ع) در فهماندن قرآن کریم به مردم از آن استفاده می‌کردند منابع لغوی است منظور از منابع لغوی هر گونه منبعی است که ما را در فهم معنا و کاربرد واژگان قرآن کریم در زمان نزول یاری می‌دهد بر این اساس قرآن، روایات، سخن صحابه، فرهنگ عامه مردم در دوران نزول و شعر همه از منابع لغوی تفسیر به شمار می‌آیند و با مراجعه به آن‌ها معانی و کاربردهای واژگان قرآنی در عصر نزول روشن می‌گردد (ر.ک؛ رجبی و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۹۳). بنابراین می‌توان گفت منابع لغوی متأثر از ادبیات آن روزگار بوده پس به تبع آن باید برای فهمیدن دقیق لغات قرآن به تفاسیر ادبی ائمه (ع) مراجعه کنیم.

اکنون به بررسی مواردی از منابع لغوی که اهل بیت در تبیین لغات قرآن از آن استفاده کرده‌اند، پرداخته می‌شود.

۱-۱. تفسیر قرآن براساس قواعد عربی

در زبان عربی مانند هر زبان دیگری، همان گونه که ماده کلمات برای دلالت بر معنا یا معنایی وضع گردیده است هیأت و ساخت کلمه‌ها، قالب‌های ترکیبی آنها در ضمن جمله‌ها موقعیت خاص هر کلمه در یک قالب ترکیبی، برای افاده معانی و نکاتی وضع شده‌اند و از این رو قالب‌های ترکیبی کلمه‌ها در ضمن جمله‌ها، جمله در ضمن عبارت‌ها، در موقعیت‌های گوناگونی قرار می‌گیرند و در هر موقعیتی معانی خاصی را افاده می‌کنند (ر.ک؛ رجبی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۰۵) ائمه اطهار (ع) گاه با تکیه بر قواعد عربی (صرف - نحو - معانی و بیان) به تفسیر آیات قرآن پرداخته و به شاگردان خود می‌آموختند که چگونه با استفاده از اصول و قواعد کلی، مطالب دینی را استخراج کنند که به نمونه‌هایی از این قواعد می‌پردازیم.

۱-۱-۱. تبیین آیات بر اساس قواعد نحوی

در این قسمت ائمه (ع) با توجه به جایگاه و نقش لغات در جملات یک آیه به تبیین مفاد آن می‌پردازند؛ به عنوان مثال:

الف) زراره می‌گوید به امام باقر عرضه داشتم؛ ممکن است بفرمایید از کجا دانستید که تنها بر قسمتی از سر و قسمتی پا مسح لازم است، آن حضرت فرمود ای زراره: این کلمه را پیامبر این گونه فرمود و خداوند نیز در قرآن این چنین نازل زیرا خداوند متعال می‌فرماید (فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ) (مائده / ۶) پس ما دانستیم سزاوار است که تمام صورت شسته شود سپس فرمود «وَأَيِّدِيكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ» آن‌گاه حکم مسحرا چنین بیان می‌کند (وَأَمْسَحُوا بَرُوسِكُمْ) ما از مدلول حرف «با» در برووسکم فهمیدیم بر بخشی از سر واجب است آنگاه همان طور که «ایدیکم» را به «وجوهکم» وصل کرد. «أَرْجُلَكُمْ» را به «رووسکم» عطف نمود و فرمود «وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ» پس ما دانستیم که باید بخشی از دو پا را مسح کنیم (ر.ک؛ کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۳، ص ۳۰، صدوق، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۲۷۷، شاکر، ۱۳۸۲ش، ص ۲۹۷ - طالقانی، ۱۳۷۷ش: ۵۴).

همانطور که می‌بینید امام باقر (ع) در این جا «باء» را «باء» بعضیه گرفته و با عطف «ارجل» بر محل «برووس» مسح بخشی از پارا افاده می‌کند و همچنین معلوم می‌گردد که ایشان در فهم معانی قرآن به قواعد عربی نیز نظر داشته‌اند.

ب) مسعده بن صدقه گوید از امام صادق (ع) سوال شد؛ آیا امر به معروف و نهی از منکر بر تمام امت واجب است؟ فرمودند نه، این امر به فرد توانا و عالم بر معروف و منکر واجب است؛ نه بر ضعیفی که هیچ هدایت نیافته و نمی‌داند حق می‌گوید یا باطل دلیل بر این مطلب آیه از کتاب خدا است که می‌فرماید «وَأَتَىٰ مَنكُم مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (بقره / ۱۰۴) این بیان خاص است نه عام چنان که خداوند می‌فرماید «وَمِن قَوْمٍ مُّؤَسَىٰ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» (اعراف / ۱۰۹). چرا

نفرمود «عمل امه موسی» حضرت در این روایت، عدم وجوب امر به معروف و نهی از منکر بر همگان را با عنایت به قاعده‌ی نحوی مربوط به «من بعضیه» بیان کرده (ر.ک؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸ ق، ج ۱: ۱۶۶، کریمی‌نیا، ۱۳۸۲ ش: ۲۶-۳۴، علوی‌مهر، ۱۳۸۱ ش: ۱۳۷). امام صادق (ع) در این روایت با مقایسه کردن «من» در آیه ۱۰۴، بقره با آیه ۱۰۹ اعراف بعضیه بودن «من» را افاده کرده و نتیجه می‌گیرد که امر به معروف و نهی از منکر برای بعضی از افراد (دانایان به این موارد) واجب است و می‌توان از این سخن حضرت این مطلب را فهمید که ایشان برای تفسیر آیه از قاعده نحوی استفاده کرده و مورد تأیید ایشان بوده است.

ج) نظر امام باقر و امام صادق در باره واژه‌ی «او» در آیه (۱۰۶/مائده)؛ *(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِّنْ غَيْرِكُمْ)* ایشان می‌فرماید «او» در این آیه برای تخییر نیست، چراکه منظور این است که اگر به دو شاهد عادل از هم دینان خودتان دسترسی نبود، دو گواه غیر مسلمان هم درست است (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۸۰ ش: ۱۲۲-۱۲۳).

د) امام علی (ع) ذیل این آیه *(فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَةُ الْكُبْرَى)* در کتاب اکمال می‌فرماید: طامه الکبری خروج دابه الارض است و جواب اذا محذوف است که بر ما بعد آن دلالت می‌کند، «یوم یتذکر الانسان ما سعی». در این جا حضرت با اشاره به قاعده نحوی که می‌فرماید جواب اذا محذوف است آیه را تفسیر می‌کند (ر.ک؛ فیض کاشانی، ۱۳۸۸، ج ۶: ۴۶۷) در حقیقت امام (ع) با توجه به نوع چیدمان واژه‌ها در تعبیرات سعی در فهماندن معنای آیه برای مخاطب دارد.

ه) حسین بن خالد یکی از اصحاب امام رضا (ع)، از ایشان در مورد تفسیر آیه «و السماء ذات الحبک» پرسید؟ راوی می‌پرسید چگونه چنین ستون‌هایی آسمان را نگه داشته در حالی که خداوند می‌فرماید *(رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا)* (الرعد/۱۳) امام در پاسخ می‌فرماید: مگر خداوند نفرمود؟ «بغیر عمد ترونها» راوی می‌گوید: بله حضرت

فرمود پس در آن جا ستون‌هایی هست لیکن شما آنها را نمی‌بینید ملاحظه می‌کنید که امام رضا (ع) با استناد به این که جمله (ترونها) صفت برای (عمد) است و در این جمله موصوف به طور مطلق نفی نشده بلکه با وصف مذکور نفی شده است آیه را تفسیر می‌کند (ر.ک؛ حویزی، ۱۴۱۶ ق، ج ۳: ۲۲۴؛ شاکر، ۱۳۸۲ ش: ۲۹۷) و همچنین ایشان با توجه به قاعده نحوی در مورد صفت و موصوف و دقت در جایگاه کلمات در جمله به تفسیر آیه می‌پردازد و این خود نشانگر این است که تفسیر ادبی مد نظر اهل بیت (ع) بوده است.

(و) امام باقر (ع) در روایتی در تفسیر «الحمد لله» فرمودند: با ذکر الحمد لله چیزی از حمد خدا را ترک نکرده و باقی نگذاشتم زیرا همه انواع حمدها را برای خدای قرار دادم هیچ حمدی نیست مگر آنچه گفتم داخل است (ر.ک؛ بحرانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱: ۴۶؛ حویزی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۵۱) از این روایت مشخص می‌شود که امام (ع) «ال» را در (الحمد) برای استغراق جنس بکار برده و آن را بر همه حمدها تعمیم می‌دهد، و همچنین نشان دهنده این است که ائمه در تفسیر آیات قرآن از نکات ادبی و قواعد عربی استفاده می‌کردند.

۱-۲. تبیین لغات بر اساس قواعد صرفی

ائمه (ع) در این روش بر اساس نوع و ساختمان کلمات بکار رفته در آیات به تفسیر و تبیین لغات آن می‌پرداختند، به عنوان مثال:

الف) از امام سجاده در باره‌ی واژه‌ی جبرئیل در آیه (قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ) (البقره/۹۸) سؤال شد امام در بیان ظاهری آن همراه با بیان نکته‌ای فرمودند: (کل اسم راجع لی ایل فهو عبدالله عز و جل)، هر اسمی که به ایل ختم شود به معنی بنده خدا است، لذا جبرئیل، عبدالله، اسرافیل، عبدالرحمن، میکائیل، عیید الله می‌باشد (ر.ک؛ سیوطی ۱۳۷۶ ش، ج ۱: ۲۲۰؛ طبرسی، ۱۳۸۰ ش، ج ۱: ۴۳۷) همان‌طور که ملاحظه می‌شود،

هر سه واژه به ایل ختم شده‌اند که اطاعت و سرسپردگی آن‌ها را نشان می‌دهند. در واقع امام سجاد (ع) با توجه به ساختمان کلمه و نوع چینش حروف در واژه به تبیین واژه جبرئیل و مانند آن می‌پردازد و تفسیر آن را با استفاده از قاعده صرفی مد نظر قرار می‌دهد.

به تعبیر دیگر امام در تبیین این آیه از یک سو به شأن نزول آیه توجه دارد و از طرف دیگر به نوع جای گذاری حروف در ساختار الفاظ؛ تا تفسیری متناسب با شأن نزول آیه ارائه می‌دهد و با بیان این که در ساختار کلمات زبان عربی هرگاه لفظ «ایل» بکار رود، بنده و اطاعت‌پیشگی مصداق آن واژه را ترسیم می‌شود، تفسیری ادبی ارائه می‌دهند. نکته جالب دیگر اینکه حضرت بندگی این ملائکه را در هر مورد به نامی از خدا انتساب می‌دهد تا مراتب هر کدام را به این طریق بیان کند، چنانکه در مورد جبرئیل، او را به همراه اسم اعظم الله می‌آورد تا عظمت او را هم در میان فرشتگان دیگر نشان دهد، اما وقتی به اسرافیل می‌رسد، او را با صفت رحمانیت خدا می‌آورد تا این ویژگی را برای او نیز در مرتبه پایین تر ترسیم کند؛ اما در مورد مکائیل به جای عبد از عبید استفاده کرده تا مبالغه‌ای در سرسپردگی او نسبت به دو فرشته دیگر باشد.

ب) امام صادق ذیل این آیه می‌فرماید: (و مزاجها من تسنیم) (المطففین / ۲۷) (تسنیم) مصدر (سنمه) به معنای (رفعه) است آن را تسنیم نامیدند؛ زیرا رفیع‌ترین شراب بهشتی است یا از آن جهت که از بالا بر آنان فرود می‌آید و گران‌بهاترین شراب اهل بهشت آن است که از بالای منازل فرود می‌آید (ر.ک؛ قمی، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۴۱۱) در این جا امام (ع) با اشاره به این که تسنیم مصدر است و با مشخص کردن ریشه و اصل کلمه به معنای آن که «رفع» است اشاره کرده آن را به نوشیدنی‌های گوارا که از جهت بالا فرود می‌آیند معنا می‌کند.

۱-۳. تبیین لغات با توجه به نکات بلاغی

بلاغت عبارت است از روشن بیان کردن معنا همراه با بکار بردن الفاظ زیبا (ر.ک؛ میر جلیلی، ۱۳۸۹: ۱۱۴) در این روش اهل بیت با توجه به نوع صنعت بلاغی بکار رفته در آیات به تبیین آن پرداخته‌اند؛ صنایع بلاغی خود به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱-۳-۱. بیان

علم بیان دانشی است که به وسیله آن می‌توان معنای مطابق با مقتضای حال را با شیوه‌های گوناگون سخن بیان کرد که درجه وضوح دلالت آن برای مخاطبان متفاوت است (محمدی، ۱۳۹۱: ۲۱۳) از جمله ابواب علم بیان تشبیه، مجاز و کنایه است که اهل بیت (ع) گاهی برای تبیین واژگان از آن استفاده می‌کردند.

الف) در ادبیات تشبیه امور عقلی به حسی یکی از شاخه‌های علم بیان است که در علوم بلاغت کاربرد دارد و ائمه از این صنعت بلاغی در تفسیر آیات استفاده کرده‌اند. برای نمونه محمد بن مسلم می‌گوید: از امام باقر علیه السلام درباره این سخن خداوند پرسیدم که فرموده است: «از روح خود در (آدم) دمیدم». (و عرض کردم: این دمیدن چگونه بوده است؟ آن حضرت فرمودند: روح مثل باد در حرکت است و روح نامیده شد، زیرا اسم روح از باد گرفته شده است و از لفظ روح به دست آمده است؛ زیرا روح با ریح (باد) هم جنس است (ر.ک؛ ابن بابویه، ۱۳۸۹ش، ج ۱: ۱۷۱) در این روایت امام باقر (ع) برای قابل لمس و درک کردن واژه‌ای «روح» که امری انتزاعی و پیچیده است، به تشبیه آن به باد که ماهیتی محسوس دارد، پرداخته و با بکارگیری قوای حسی مخاطب این واژه را در آیه تعریف کرده است.

نکته دیگر اینکه امام (ع) با توجه به واژه شناسی مطابق قواعد زبان عرب، معنانشناسی واژه مذکور را آسان‌تر کرده، زیرا امام با ریشه شناسی به ذکر واژه‌های متجانس و

همگون واژه‌ی روح پرداخته و نوعی همسانی بین «روح» و «ریح» به لحاظ لغوی ایجاد می‌کند، زیرا هر دو از یک ریشه گرفته شده‌اند (ر.ک؛ راد و خوشدونی، ۱۳۹۵: ۹۳) از این رو امام در این مورد از یک طرف با در نظر گرفته هم‌ریشگی روح و ریح به معنا شناسی روح پرداخته و از طرف دیگر با تشبیه معقول به محسوس این لفظ را سهل‌الفهم کرده‌اند.

ب) کنایه: از امام صادق (ع) در مورد آیه «يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِيدِي» سؤال شد حضرت فرمود: ید در کلام عرب (کنایه از) قدرت و نعمت است و خداوند فرموده است «و اذکر عبدنا داود ذی الید» امام با استناد به این آیه ثابت می‌کند واژه ید در آیه قبل کنایه از قدرت است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۱۷؛ قرشی، ۱۳۷۷، ج ۹: ۲۵۴). امام صادق با بکارگیری آرایه کنایه در این آیه، معنای ید را قدرت و نعمت تلقی کرده و با استشهاد به آیه دیگر که معنای ید در آن قدرت است به تفسیر آن می‌پردازد.

۱-۳-۲. علم معانی

در علم معانی از کلماتی که در آنها قواعد صرفی نحوی رعایت گردیده سخن به میان می‌آید که چگونه آنها را باحال مخاطب هماهنگ سازیم پس موضوع این علم مطابقت کلام با مقتضای حال مخاطب است این علم دارای ابوابی است از جمله خبر و انشاء، مسند و مسندالیه، اطلاق و تقيید و ... (ر.ک؛ محمدی، ۱۳۹۱ش: ۴۷).

ائمه (ع) در تفسیرگاهی بارعایت کردن اصول مربوط به علم معانی به تفسیر می‌پرداختند به عنوان مثال؛

الف) هشام بن حکم از امام صادق (ع) راجع به اشتقاق اسماء خدا پرسید، الله از چه مشتق است؟ فرمود: ای هشام الله مشتق از اله (پرستش شده) است و پرستش شده شایسته پرستشی لازم دارد، و نام غیر صاحب نام است کسی که تنها نام را بدون صاحب نام

پرستد کافر گشته و در حقیقت چیزی نپرستیده است (کلینی، ۱۳۸۸ش، ج ۱: ص ۱۶۴-۱۶۵). برخی معتقدند لفظ الله بذات مشتق نیست دلیلشان این است که این لفظ جلاله اسمی غیر مشتقا است و هیچ واژه دیگری از آن مشتق نشده و دائماً «ال» با آن بوده در مقابل برخی دیگر معتقدند الله مشتق است که به مرور اطلاقش بر نام خدا حقیقی شده و نظر امام در مؤید نظر دوم است (راد و خوشدونی، ۱۳۹۵: ۹۱). در روایت تفسیری همانطور که مشخص است ساختمان کلمه مورد نظر امام صادق (ع) قرار گرفته و بر اساس آن واژه الله را معناشناسی می‌کنند.

ب) امام صادق (ع) نقل می‌کند که امام سجاد (ع) فرمود: تو نمی‌توانی با هر کس که بخواهی مجالست کنی؛ زیرا خداوند از آن نهی کرده و فرموده است (وَ إِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ) (الانعام / ۶۸) و چون بینی کسانی که به قصد توطئه در آیات ما فرو روند، از ایشان روی برتاب تا در سخنی غیر از آن در آیند. طبق قاعده هر امری دلالت بر وجوب می‌کند (ر.ک؛ خراسانی، ۱۳۷۵: ۹۲). امام سجاد از کلمه «فأعرض» که فعل امر است وجوب اجتناب را بیان کرده است و امر از انشائات است (ر.ک؛ ابن بابویه، ۱۳۸۵ش، ج ۲: ۳۸۵) بنابراین می‌توان گفت که امام سجاد با استفاده از شاخه‌ای از علم معانی به تبیین آیه پرداخته‌اند.

ج) ابن ابی حاتم از علی (ع) نقل می‌کند که در تفسیر آیه شریفه (الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ) فرمودند این آیه اختصاصاً در مورد ابراهیم و اصحابش نازل شده و نه در مورد این امت و مسلمانان (ر.ک؛ فیض، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۱۳۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۵: ۳۱۹؛ حویزی، ۱۳۸۹ش، ج ۱: ۷۳۹) در این روایت امام علی (ع) با بکارگیری علم معانی به تفسیر آیه پرداخته و با اختصاص دادن مضمون آیه به حضرت ابراهیم آن را از مسلمان نفی می‌کند.

۱-۳-۳. بدیع

دانشی است که به وسیله آن، شکل‌های معنوی و لفظی که موجب زیبایی کلام و تأثیر بیشتر آن در شنونده می‌گردد، شناخته می‌شوند و دارای ابوابی است از جمله ابواب لفظی، جناس سجع برائت استهلال، معنوی طباق، مقابله، توریه، مبالغه و ... (ر.ک؛ محمدی، ۱۳۹۱ش: ۲۸۵).

الف) در روایتی از امام صادق (ع) ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعُوضَةٌ فَمَا فَوْقَهَا...﴾ (البقره/۲۶) به انتخاب پشه در مثل اشاره شده و اینکه چرا خداوند حشره‌ای بسیار خورد را برگزیده آنگاه میان پشه و فیل مقایسه می‌کند و به وجود ویژگی‌های فیل اشاره می‌کند (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۸۰ش، ج ۱: ۱۶۵؛ حویزی، ۱۳۸۹ش، ج ۱: ۱۶۵) امام صادق (ع) در این روایت با استفاده از صنعت مقابله به تفسیر آیه پرداخته که با مقایسه کردن پشه و فیل ویژگی‌های آن دو را مشخص و معنای بعوضه را تبیین می‌کند.

ب) از امام صادق (ع) در تفسیر آیه ﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾ چنین نقل شده که (استوی من کل شیء فلیس شیء هو اقرب الیه من شیء) یعنی خداوند از هر جهت بر عرش استیلا دارد پس چیزی نیست که نزدیک‌تر به او باشد (ر.ک؛ عطاردی، ۱۳۸۴: ۲۷۵). امام در این روایت با توجه به ایهام موجود در استوا که معنای نزدیک آن استیلا بر مکان و لازمه آن جسم داشتن خداست و معنای دور آن که امام نیز آن را اراده کرده، اشراف کامل بر جهان هستی است امام در اینجا با بکارگیری علم بدیع به تفسیر آن می‌پردازد.

بنابراین می‌بینیم که استفاده از قواعد عربی در تبیین و تفسیر واژگان قرآن کریم توسط ائمه (ع) نشانگر آن است که اهل بیت برای فهماندن دقیق قرآن به مردم از علوم مختلف مربوط به زبان عربی از جمله صرف، نحو و علوم بلاغت استفاده می‌کردند تا جایی که

ابن ابی الحدید در این مورد می‌گوید؛ حضرت علی (ع) واضح علم نحو و قواعد زبان عربی است که مقدمه‌ی علم اعراب قرآن می‌باشد.

۲. بیان معانی لغوی با ارجاع به کاربردهای عرفی و فرهنگی

دانشی یکی از روش‌ها در باب نحوه‌ی وضع الفاظ برای مسمیات، کارد الفاظ و اسامی در معانی و مسمیات متعدد است بدون توجه به تصورات و پندارهای خارج از موضوع له که پیرامون آن واژه در ذهن کاربران اولیه وجود داشته نمی‌توان به کاربرد آن واژه در عصر کنونی پی برد، گاهی خداوند در ارائه مفاهیم خود از نظام و ساختار زبان موجود ممتعرف بین مردم عرب زبان و همچنین فرهنگ آنها استفاده کرده بنابراین برای تفسیر چنین مطالبی باید به عرف عامه مردم زمان نزول توجه نمود (ر.ک؛ مؤدب، ۱۳۸۸ش: ۱۹۹) به ذکر نمونه‌هایی از آن می‌پردازیم.

الف) امام جعفر صادق (ع) در حدیثی در مورد (ن وَالْقَلَمِ) (القلم / ۴۷) قلم به دستور خداوند تمام آن چه هست و خواهد بود، و آن در کتاب مکنون است همه چیز از آن نسخه برداری می‌شود سپس فرمودند آیا شما عرب نیستید؟ چرا معنای کلمه را نمی‌دانید؟ آیا یکی از شما به دیگری نمی‌گوید؛ این کتاب را برایم نسخه برداری کن؟ آیا او از متن اصلی دیگری نسخه برداری نمی‌کند؟ این همان معنای قول خداوند است که می‌فرماید (إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ) (ر.ک؛ حویزی، ۱۳۸۹ش، ج ۵: ۲۲۶؛ کریمی نیا، ۱۳۸۲ش: ۲۸) با توجه به این حدیث عرب از کلمه نسخ معنای رونویسی از کتاب اصلی را می‌فهمیده امام نیز برای تبیین واژه به این معنا اشاره می‌کند.

ب) ابی معمر سعدی: علی بن ابی طالب (ع) در مورد سخن خداوند در آیه (وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ) فرمودند: یعنی در روز قیامت به خیر و رحمت به ایشان نگرسته نمی‌شود، چنانکه عرب به سید و بزرگ و شاه می‌گوید (لَا تَنْظُرُ إِلَيْنَا) یعنی چیزی از شما به ما نمی‌رسد و مقصود این است که خداوند خیر و رحمتی به ایشان نمی‌رساند و به دیده

رحمت به آنان نمی‌نگرد (ر.ک؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۱ش: ۸۴) به این صورت امام علی (ع) با استشهاد به ضرب المثل رایج بین اعراب به تفسیر آیه می‌پردازد.

ج) محمد بن مسلم از امام صادق در آیه (قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي...!) را سؤال کردم فرمود مراد از ید چیست فرمود: ید؛ در کلام عرب قوت و نعمت استعمال شده وقتی گفته می‌شود (فَلَانٌ عِنْدِي يَدٌ بِيضًا) ید به معنای نعمت است (ر.ک؛ ابن بابویه، ۱۳۷۲ش: ۱۶، کلینی؛ ۱۴۰۷، ج ۱: ۶۶) امام صادق (ع) در این روایت با استفاده از جمله معهود نزد اعراب «فَلَانٌ عِنْدِي يَدٌ بِيضًا» آیه را تفسیر کرده و به استعمال عرفی آن اشاره دارد.

بنابراین می‌توان گفت آشنای با فرهنگ و ادب مردم عصر نزول برای تبیین واژگان مؤثر بوده که آن بزرگواران در تفسیر به آن توجه داشتند و نتیجه آن که مفسران نیز برای فهم واژگان قرآن باید معانی واژگان را در عصر نزول و با توجه به فرهنگ قبایل آن زمان تفسیر کنند زیرا قرآن با زبان عرف عام سخن گفته‌است.

۳. توضیح واژگان قرآن با استشهاد به شعر

شعر عرب به خصوص اشعار جاهلی، مخضرم و شعر اسلامی در معناشناسی واژه‌های قرآن کارکرد مؤثری دارد، از همین رو مفسران صدر اسلام که اشعار را دیوان عرب می‌دانستند و می‌گفتند، هرگاه کلمه‌ای از قرآن، که خدا آن را به زبان عربی نازل کرده، پوشیده ماند، به دیوان عرب (شعر) مراجعه کنید (ر.ک؛ طیب حسینی، ۱۳۹۲: صص ۵۶-۵۹)؛ از همین رو اهل بیت (ع) هم به نقش شعر عربی در فهماندن معنای واژه‌های دشوار و نامأنوس قرآن توجه کردند.

الف) برای نمونه امام علی (ع) برای معمول و متعارف نشان دادن معنای واژه‌ی رعد در بین اعراب به این شعر لیبید استناد می‌کند که گفت؛

فَجَعَنِي الرَّعْدَ وَ الصَّوَاعِقَ بَالٍ الْفَارِسُ يَوْمَ الْكَرِيمَةِ النَّجْدِ

رعد و صاعقه در آن روز ترسناک بارانی - در حالی که سوار بر اسب بودم مرا ترساند (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸: ۶۲؛ قرطبی، ۱۴۳۰ق، ج ۲: ۱۹۲).

از این بیانات می‌توان فهمید که ائمه (ع) برای تبیین دقیق و صحیح واژه‌های قرآن از شعر استفاده کرده و آن‌جا که شعر در راستای کمک به دین الهی و دینداری بود، به آن توجه و سفارش می‌کردند. چنان‌که حضرت علی (ع) هنگامی که گروهی از یارانش در یکی از شب‌های ماه مبارک رمضان به هنگام افطار، سخن به شعر و شاعری گشودند، آنها را مخاطب ساخته فرمود:

بدانید ملائک کار شما دین است، و مایه حفظ شما تقوی است، زینت شما ادب و دژهای محکم آبروی شما، حلم و بردباری است (ر.ک؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷ش، ج ۲۰: ۴۶۱).

۴. بیان واژگان با استفاده از ترادف آن

از مباحث دیگر معناشناسی واژگان قرآن توسط اهل بیت پیامبر (ص) استفاده از ویژگی ترادف در مفردات قرآن کریم است، ترادف از ماده ردف به معنای پیرو و تابع است. دلالت دو یا چند لفظ بر معنای واحد؛ بر این اساس دو واژه‌ای که بر معنا و مقصود واحدی دلالت کنند، مترادف شمرده می‌شوند (ر.ک؛ طیب حسینی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۱-۱۱۲). اکنون با شواهدی از احادیث معصومان (ع) به واکاوی این روش فهم واژگان قرآن پرداخته می‌شود.

الف) امام رضا (ع) در معنای ﴿لَا فَارِضٌ وَلَا بَكْرٌ﴾ (البقره / ۶۸) فرمودند: یعنی «لا صَغِيرٌ و لا كَبِيرٌ» یعنی نه کوچک و نه بزرگ (ر.ک؛ صدوق، ۱۳۷۸ش، ج ۱: ۲۵۲؛ حویزی،

۱۴۱۵ق، ج ۱: ۸۷) این سخن حضرت نشان می‌دهد، برای روشن کردن معنای لغات از کلمات هم معنای واژگان دشوار در تفسیر می‌توان استفاده کرد.

ب) حسین بن بشار از حضرت ابا الحسن (ع) درباره آیه شریفه **(وَيُهْلِكُ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ)** (بقره/ ۲۰۵) حضرت فرمودند: **النَّسْلُ؛ الذَّرِيَّةُ، وَ الْحَرْثُ: الزَّرْعُ** است (ر.ک؛ عیاشی، ۱۳۸۰ش، ج ۱: ۱۰۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹: ۸۹) در این روایت امام حسن (ع) در تبیین واژگان «الحَرْث-نَّسْل» از معانی مترادف آنها که برای مردم شناخته شده بودند استفاده کرده‌اند.

ج) «کل نفس بما کسبت رهینه» (مدثر/ ۳۸) امام علی (ع) رهینه را به معنای مرتهنه دانسته که هر دو از یک ریشه و به یک معنا است (ر.ک؛ النعمانی، ۱۳۹۷هـ-ق، ج ۲: ۷۶؛ فرشچیان، ۱۳۸۲ش: ۱). امام علی (ع) معنای لغت دشوار را برای مخاطبان قابل فهم می‌کند در این جا به نظر می‌رسد معنای واژه مرتهنه برای مردم شناخته‌تر از معنای رهینه بوده که امام از آن در تبیین آیه استفاده کرده‌اند.

از توجه به این روایات مشخص می‌شود که گاهی برای روشن ساختن الفظ غریب که در قرآن استعمال شده اهل بیت (ع) از واژگانی که از لحاظ معنای مساوی و نزدیک به لفظ مورد استعمال خداوند و در عین حال قابل فهم برای مردم بوده استفاده می‌کردند.

نتیجه‌گیری

با بررسی روایات تفسیری اهل بیت در زمینه‌ی تفسیر ادبی و تبیین لغات مشخص شد، قرآن و اهل بیت (ع) که به تعبیر پیامبر اکرم (ص) قرین همدیگر قرار دارند با تمام توانایی خویش در پی آگاه کردن مردم به معارف قرآن بوده و هرگز از آن غافل نبودند آن‌ها در این راه از روش‌های مختلفی استفاده کرده‌اند. آنچه از این مقاله می‌توان نتیجه گرفت، این است که آن بزرگواران در تفسیر ادبی گاه از قواعد عربی برای تبیین لغات و

زمانی از کاربرد واژگان در عرف عام و فرهنگ مردم و با استشهاد به اشعار جاهلی و همچنین استفاده از راهکار ترادف در صدد فهم و تفسیر قرآن برآمده‌اند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

- ابن ابی‌الحدید، عزالدین. (۱۳۳۸ش). *شرح نهج البلاغه*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۷ش). *معانی الاخبار*. تهران: نشر دار الکتب السلامیه.
- _____ . (۱۳۷۸ش). *عیون اخبار رضا*. ترجمه نجفی. تهران: نشر جهان.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۱۲ق). *المحکم المحيط الاعظم*. ج ۱. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن فارس، احمد. (بی تا). *معجم مقاییس اللغة*. تحقیق هارون عبدالاسلام، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۵ش). *علل الشرایع*. نجف: مکتبه الحیدریه.
- _____ . (۱۳۸۹ش). *توحید*. یعقوب جعفری. قم: نسیم کوثر.
- بحرانی، سیدهاشم. (۱۴۱۶ه-ق). *البرهان فی تفسیر قرآن*. قم: انتشارات قسم الدراسات السلامیه-موسسه البعث قم.
- حویزی، عبد‌العلی. (۱۴۱۵ه-ق). *نور الثقلین*. تهران: انتشارات اسماعیلیان.
- حویزی، عبد‌العلی (۱۳۸۹ش). *نور الثقلین*. ترجمه عقیقی بخشایشی. قم: چاپ و نشر نوید اسلام.
- خراسانی، محمد کاظم. (۱۳۷۵ش). *کفایه الاصول*. قم: مکتبه اعلام اسلامی.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳ش). *لغت نامه دهخدا*. تهران: چاپ و نشر دانشگاه تهران.
- راد، علی و مهدی خوشدونی. (۱۳۹۵ش). «روش‌شناسی تفسیر واژگانی اهل بیت با محوریت روایات تفسیری اصول کافی». *پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن* ش ۱. (صص ۸۷-۱۰۸).

- رجبی، محمود. (۱۳۸۷ش). «مجموعه مؤلفان: علی اکبر بابایی، غلامعلی عزیزی کیا. مجتبی روحانی راد». *روش شناسی تفسیر قرآن*، انتشارات سمت.
- سیوطی، جلال‌الدین. (۱۳۷۶ش). *الاتقان فی علوم القرآن*. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- شاکر، محمد کاظم. (۱۴۱۸ه.ق.). *روش‌های تاویل قرآن*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه.
- شاکر، محمد کاظم. (۱۳۸۲ش). *مبانی و روش‌های تفسیری*. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن. (۱۳۷۸ش). *مجمع البیان*. تهران: موسسه انتشارات فراهانی.
- طیب حسینی، محمود. (۱۳۹۲). *درآمدی بر دانش مفردات قرآن*. چ ۲ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- عطاردی، عزیزالله. (۱۳۸۴ش). *مسند الامام صادق*. ج ۷. چ ۱. قم: انتشارات: عطارد.
- علوی مهر، حسین. (۱۳۸۱ش). *روش‌ها و گرایش‌های تفسیری*. قم: انتشارات اسوه.
- عیاشی، ابونصر محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ش). *تفسیر عیاشی*. تهران: انتشارات مکتب العلمیه الاسلامیه.
- فرشچیان، رضا. (۱۳۸۲ش). «تفسیر قرآن و روش‌های آن در نگاه امام علی». *مجله مصباح*. شماره ۴۸. صص ۶۹-۹۲.
- فیض کاشانی، ملامحسن. (۱۴۱۸ه-ق.). *الاصفی فی تفسیر القرآن*. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- _____ (۱۳۸۸ش). *الصادق*. ترجمه عبدالرحیم عقیقی بخشایشی. قم: نشر نوید اسلام.
- _____ (۱۳۷۱ش). *نوادر الاخبار فی ما يتعلق باصول الدین للفیض*. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۷ش). *تفسیر احسن الحدیث*. تهران: نشر بنیاد بعث.

- قرطبی، محمد بن احمد. (۱۴۳۰ ه.ق.). *جامع الاحکام القرآن*. بیروت. لبنان: نشر دارالکتاب العربی.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۷ ش.). *تفسیر قمی*. قم: دارالکتاب.
- کریمی‌نیا، مصطفی. (۱۳۸۲ ش.). «روش‌های تفسیری مورد تأیید اهل بیت»، *مجله معرفت*. شماره ۷۱. صص ۲۶-۳۴.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵ ش.). *الکافی*. تهران: انتشارات دارالکتب اسلامیه.
- _____ . (۱۴۰۴ ه.ق.). *الکافی*. تهران: انتشارات دارالکتب اسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۰۳ ق.). *بحار الأنوار*. محقق / مصحح: جمعی از محققان. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- رمضان، عبدالنواب. (۱۳۶۷ ش.). *مباحثی در فقه اللغة عربی*. ترجمه حمید رضا شیخی. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- معلوف، لوئیس. (۱۳۹۰ ش.). *المنجاء*. ترجمه محمد بندریگی. قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- مؤدب، سید رضا. (۱۳۸۸ ش.). *مبانی تفسیر قرآن*. قم: انتشارات دانشگاه قم.
- _____ . (۱۳۹۰ ش.). *روش‌های تفسیر قرآن*. قم: انتشارات دانشگاه قم.
- میرجلیلی، علی محمد. (۱۳۸۹ ش.). *تأثیر قرآن در پیدایش و پیشرفت علوم ادبی*. قم: بوستان کتاب.
- ناصر، حسین. (۱۳۸۷ ش.). *اعتبار و کاربرد روایات تفسیری*. تهران: بوستان کتاب.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۹۷ ه.ق.). *الغیبه*. تهران: انتشارات مکتبه الصدق.
- نقیب‌زاده، محمد. (۱۳۸۴ ش.). «منابع ادبی و نقش آن در تفسیر»، *مجله معرفت*، شماره ۹۶. صص ۱۰۹-۱۱۸.